

بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران* به جایگزین‌های مجازات حبس

فرناز ناظرزاده کرمانی¹

زینب امامی غفاری²

(تاریخ دریافت: 1393/02/06 - تاریخ تصویب: 1393/06/18)

چکیده

این مقاله با رویکرد جامعه‌شناسی جنایی به بررسی وضعیت کودکان و نوجوانان زیر هجده سال که به دلایلی در تماس با دادگاه اطفال قرار می‌گیرند، می‌پردازد. روش انجام این تحقیق مطالعه موردی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در دادگاه اطفال دو رویکرد نسبتاً متفاوت حاکم می‌باشد. یک دسته از قضات عملکرد و آراء شان به رویکرد ترمیمی نزدیک است و دسته دیگر را می‌توان از حامیان رویکرد تنبیهی دانست. از منظر گروه اول جایگزین‌های مجازات حبس به طور کلی در زمره‌ی سایر مجازات‌ها می‌باشند و دارای قابلیت بازدارندگی از جرایم هستند. در حالی که دسته دوم معتقدند که جایگزین‌های مجازات حبس صرفاً نوعی تدابیر اصلاحی هستند که فاقد جنبه‌ی بازدارندگی هستند و نمی‌توانند مانند مجازات حبس قابلیت اجرا شدن و کارآیی داشته باشند. در زمینه‌ی حدود اختیارات قاضی نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی از قضات اصطلاحاً به لزوم تفسیر اجتماعی از قوانین معتقدند، در حالی که گروه دیگر اعتقاد به تفسیر تحت‌اللفظی از قوانین دارد.

واژگان کلیدی: کودک، جایگزین‌های مجازات حبس، سیاست جنایی، زندان، نگرش.

Email: farnaker@gmail.com

1- نویسنده‌ی مسئول - استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).

2- دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (ه).

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده‌ی دوم می‌باشد که در دانشگاه الزهرا (س) دفاع شده است.

مقدمه

مطالعات جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها طی دو سده‌ی گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان‌ها منجر شده؛ نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری مجرمان و پیش‌گیری از ارتکاب جرم در سطح عموم نداشته است. نتایج به دست آمده ناامیدکننده‌اند و نظریه‌ی بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها تقریباً با شکست روبه‌رو شده است. افزون بر آن ضعف امکانات فیزیکی و سازماندهی و نظارت زندان‌ها و نیز فساد رایج در میان زندانیان و زندانبانان که معمولاً ماموران عادی‌اند نه مددکاران اجتماعی، به نقض حقوق بشر و کرامت انسانی منتهی شده است. بسیاری از کشورها به تازگی علاقه‌ی خود را به ارزیابی مجدد نقش حقوق کیفری آشکار ساخته‌اند و برخی از آن‌ها در نتیجه‌ی این امر، دگرگونی‌های گسترده‌ای را در قوانین خود درپیش گرفته‌اند. این مهم به ویژه درباره‌ی رسیدگی به جرایم کودکان مطرح شده و در نظام کیفری بسیاری از کشورها از اهمیت و اولویت برخوردار است.

کودکی، که بنابر نظر کنوانسیون حقوق کودک از دوره‌ی طفولیت آغاز گشته و تا پایان نوجوانی ادامه دارد مرحله‌ی مهم و حساسی در شکل‌گیری شخصیت انسانی است. در شرایط فعلی در همه‌ی کشورها و از جمله کشور ما برخی از کودکان به دلایل متعدد، از حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی به طور کامل و مناسب برخوردار نیستند و بعضاً در فعالیت‌های ضد اجتماعی و غیر قانونی درگیر می‌شوند. در این مرحله نوع برخورد نظام اجتماعی و قضایی با این‌گونه کودکان که اصطلاحاً به آن‌ها کودکان معارض قانون گفته می‌شود، بسیار اهمیت می‌یابد.

امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی جنایی به مجازات حبس به عنوان یکی از کیفرهایی که عواقب و پیامدهای ناگواری را برای مجرم و جامعه در بر دارد، نگریسته می‌شود. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد امکان و احتمال یادگیری رفتار مجرمانه در زندان‌ها بسیار بیشتر از سایر محیط‌های اجتماعی است. علاوه بر این، نه تنها خود زندانی بلکه خانواده وی بسیار آسیب‌پذیر شده، در معرض تهدیدهای مختلف قرار می‌گیرند. از طرف دیگر و در سطح کلان مجازات زندان هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند و علاوه بر مخارج گوناگون، سازمان‌ها و

نهادهای مختلف مثل نیروی انتظامی را به خود مشغول می‌نماید. بنابراین بررسی راه‌های پیش‌گیری و کاهش ورود محکومین به زندان امری حیاتی است (زینالی، 1385، ص 8). از منظر جامعه‌شناسی جنایی تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می‌تواند در اجرای احکام مؤثر باشد لذا به منظور شناخت وضعیت فعلی کودکان و نوجوانان در دادگاه اطفال به سراغ قضات دست‌اندرکار رفته و نحوه‌ی عملکرد آنان را در زمینه‌ی جایگزین‌های مجازات حبس مورد بررسی قرار داده‌ایم. قضات نقشی حیاتی در بهبود شرایط اجتماعی کودکان و نوجوانان دارند و تجربه نشان داده است که رویه‌ی قضایی می‌تواند بر نظام قانونی نیز تأثیرگذار بوده و قانون‌گذاران را به سمت و سویی سوق دهد که خواست قضات بر آن باشد؛ همان‌گونه که در سال‌های اخیر نیز این موضوع مشاهده شده است. حمایت از حقوق کودکان که به طور بالقوه از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی هستند و به لحاظ موقعیت سنی، وابستگی اقتصادی و نیازمندی‌های اجتماعی احتیاج به توجه و رسیدگی دارند، امری اساسی است و باید به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر دولتی باشد. حل و فصل مطلوب مشکلات و رسیدگی صحیح به جرایم ارتكابی آنان می‌تواند در عدم ارتكاب مجدد جرم مؤثر باشد و از تورم جمعیت کیفری بکاهد.

پرسش‌های اصلی که این مقاله در صدد پاسخ به آن‌ها می‌باشد عبارتند از:

- 1- رویه‌ی قضات دادگاه اطفال درباره جایگزین‌های مجازات حبس چگونه است؟
 - 2- نگرش قضات دادگاه اطفال نسبت به جایگزین‌های مجازات حبس چگونه است؟
- هدف کلی از نگارش مقاله، معرفی دادگاه اطفال شهر تهران و بررسی عملکرد قضات در زمینه‌ی جایگزین‌های مجازات حبس و شناخت دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات ایشان در این باره می‌باشد.

در این مقاله ابتدا به تعریف مفاهیم مربوطه پرداخته و سپس به نظریات مطرح شده در این حوزه اشاره می‌کنیم، روش انجام تحقیق و تکنیک‌های استفاده شده را مرور می‌کنیم و در نهایت با تحلیل یافته‌های اصلی تحقیق، نتیجه‌گیری می‌نماییم.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که اشاره شد زندان به عنوان مهم‌ترین مجازات موجود در اختیار دولت‌ها و قوانین کیفری، در رسیدن به هدف‌های خود به ویژه اصلاح و درمان ناکام مانده است. برای خروج از این وضعیت بحرانی و خطرساز در دو زمینه اقدام‌هایی انجام شده است: نخست، جرم‌زدایی و تحدید مداخله‌های کیفری و دوم، بازاندیشی و بازنگری در نظریه‌ی مجازات‌ها به ویژه زندان. دسته‌ی اخیر مشتمل بر دو طیف از فعالیت‌هاست. بخشی از این اقدامات عبارت است از اصلاح کاستی‌های زندان و فراهم کردن الزامات اصلاح و درمان از جمله ساخت‌وساز زندان‌های جدید با امکانات لازم و مناسب و پرورش مددکاران و کادر متخصصان بازپروری و نیز اختصاص بودجه‌های بیشتر برای اداره‌ی زندان، چراکه با وجود ناکارآمدی زندان این مجازات به دلایل مختلف به عنوان نماد نظام کیفری در سراسر جهان شناخته شده و به همین دلیل در چند دهه‌ی گذشته جمعیت آن پیوسته رو به افزایش بوده به گونه‌ای که حتی زندان‌ها با تراکم بیش از حد جمعیت زندانی روبه‌رو بوده‌اند. بخش دیگر، مطالعات و اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان را شامل می‌شود که می‌توانند ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه به زندان به مثابه «آخرین حربه» نگریسته می‌شود. تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی دسترس‌پذیر و سودمند باشد، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است. این جایگزین‌ها از نظر تاریخی ابتدا با «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه‌مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شد زیرا مشخص شد که چنین کیفری نه‌تنها توانایی اندکی در بازسازی و اصلاح مجرمان دارد، بلکه موجب بروز فساد و فراهم کردن عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی زندانیان می‌شود (صفاری، 1386، ص 87).

مارک آنسل در پیش‌گفتار کتاب مختصر خود تحت عنوان «دفاع اجتماعی» آن را یک جریان فکری می‌نامد «که از یک سو مجازات را به عنوان یگانه پاداش جرم ارتکابی زیر سؤال می‌برد و از سوی دیگر، برای حمایت از پیکره‌ی اجتماع و خود فرد، شیوه‌های جدیدی را جست‌وجو می‌کند...[و] هم زمان معترض، مصلح و انسان دوست است... در این معنا در چارچوب سیاست جنایی قرار می‌گیرد... که... در وهله‌ی نخست عبارت از انتخاب‌هایی است

که جامعه، یعنی عملاً قانون‌گذار و قاضی، در تعیین جرایمی که قانون آن‌ها را سرکوب می‌کند و به منظور حمایت از افراد صالح معمول می‌دارد... اما... انتخاب‌های سیاست جنایی در زمان به طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است... در وهله بعد، آن‌گاه که با مسأله مجازاتی که باید درباره‌ی بزه‌کار اجرا گردد و شیوه‌ی برخورد با محکومی که مجازات خود را تحمل می‌کند مواجه می‌شویم باز هم راه حل‌های دیگری در دسترس قانون‌گذار، قاضی، مسئول اداری و حتی تمامی پیکره اجتماع قرار می‌گیرد. در یک نظام واقعی، سیاست جنایی یعنی سیاستی مبتنی بر تعقل و تفکر. راه حل‌ها از واکنش ناشی از وحشت، دفاع غریزی و یا علاقه‌ی نسنجیده به ایجاد رعب و وحشت خشونت‌آمیز منتج نمی‌شود. اتخاذ این راه حل‌ها به... حقوق بشر یا ارزش انسانی بستگی خواهد داشت... یا می‌بایست بستگی داشته باشد» (آنسل، 1375، ص 44).

نقل قول بالا نشان می‌دهد که مسأله‌ی اصلی برای این صاحب نظر حفظ و انسجام بخشیدن به نظام کیفری و سیاست‌های تقنینی، اجرایی و قضایی در رابطه با کیفر است تا از یک سو به کمبودها و انتقادات وارد به مکاتب قبل از خود پاسخی دهد و از سوی دیگر نیز ضرورت مبارزه با پدیده‌ی مجرمانه در قالبی انسانی و موجه با معیارهای روز را مورد تأکید قرار دهد.

هرچند دفاع اجتماعی از زمان طرح اندیشه‌ی افرادی چون بکاریا مطرح بوده اما به گفته‌ی آنسل، جنبش جدید دفاع اجتماعی نخست توسط آدلف پرینس و بر اساس کتاب وی تحت عنوان «دفاع اجتماعی و تحولات حقوق کیفری» در سال 1910 پایه‌ریزی شد. آدلف پرینس با روشن کردن روابط بین سیاست جنایی نوین و دفاع اجتماعی؛ برای حالت خطرناک و تدابیر تأمینی به ویژه برای مرتکبین جرم و ناهنجاران روانی، واکنش در برابر زیاده‌روی در کیفر، و نیز در مسامحه از سوی قضات، تلاش برای معرفی جایگزین‌هایی برای زندان‌های کوتاه‌مدت و از همه بالاتر برای فردی کردن کیفر و اصلاح زندان ارزش والایی قائل بود. اصلاحات کیفری متعددی در بلژیک (قانون دفاع اجتماعی 1930)، فرانسه (1885)، انگلستان (1908)، تشکیل دادگاه‌های ویژه و آیین رسیدگی خاص برای خردسالان و دادگاه‌های نوجوانان در آمریکا و نیز فردی کردن بیشتر مجازات و کیفرهای نامحدود در پی مواضع پرینس رخ داد (همان، ص 30).

در نتیجه‌ی تحولات مطرح شده، اندیشه‌ی غالب در بین اندیشمندان علوم جنایی بر این امر استوار شد که اگرچه برای پیش‌گیری از جرم و در نتیجه کاهش جرایم ارائه‌ی راه‌حل‌های مفید و مؤثر حتی در قالب واکنش کیفری گریزناپذیر است، اما چنین واکنشی لازم است حتی‌الامکان با کرامت انسان سازگاری داشته و از منطقی علمی و قابل دفاع و هماهنگ با معیارهای روز برخوردار باشد. به عبارت دیگر مؤثرترین و در عین حال انسانی‌ترین نحوه‌ی دفاع است که می‌تواند به عنوان بهترین سیاست جنایی مورد استناد قرار گیرد. بر همین مبنا اکنون بیشتر اندیشمندان جرم‌شناسی بر اتخاذ تدابیر غیر کیفری یا اجتماعی به منظور پیش‌گیری از وقوع جرم و نیز بر هدف اصلاح و بازسازی برای کیفر تأکید بیشتری دارند و افراط در تنبیه‌گرایی را برنمی‌تابند.

چهارچوب مفهومی و نظری

در این قسمت ابتدا به تعریف مفاهیم نظری پرداخته و سپس نظریات مربوط به موضوع تحقیق را که مبنای نظری این پژوهش می‌باشد، بررسی می‌کنیم.

زندان (Imprison)

زندان محلی است که اشخاص محکوم به مجازات حبس یا اشخاص متهم که در انتظار محاکمه هستند در آن‌جا نگهداری می‌شوند. در ادبیات کیفری به زبان فارسی دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی به عنوان مجازات بیش از همه مرسوم است. در ادبیات کیفری، علاوه بر این دو واژه، گاهی از لفظ سجن و ندامتگاه استفاده می‌شود. زندان یا ندامتگاه اسم محلی است که محکومین به مجازات سالب آزادی در آن نگهداری می‌شوند و مسامحتاً به محل نگهداری هر دو دسته محکومین و متهمین هم گفته می‌شود و شاید از این جهت که زندانی در زندان از کرده‌ی خود نادم و پشیمان می‌شود به این محل ندامتگاه نیز گفته‌اند (صفاری، 1386، ص 122).

مجازات‌های اجتماعی یا جایگزین‌های مجازات حبس (Social Punishments)

مجازات‌های اجتماعی، مجازات‌هایی هستند که با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه‌ی کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتكاب جرم، توسط دادگاه تعیین و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجتماع به اجرا درمی‌آیند. این مجازات‌ها عبارتند از دوره‌ی مراقبت خدمات عمومی، جریمه‌ی نقدی روزانه، و محرومیت موقت از بخشی از حقوق اجتماعی (ماده یک لایحه مجازات‌های اجتماعی).

منظور از مجازات‌های اجتماعی هرگونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاه‌تر کند. در این مفهوم، نه تنها جایگزین‌هایی مانند کار عام‌المنفعه یا حبس خانگی، بلکه تعلیق ساده مراقبتی نیز در ردیف جایگزین‌ها محسوب می‌شوند (آشوری، 1382، ص 46).

کیفرهای جایگزین معمولاً تحت عنوان «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت» وارد نظام کیفری کشورها شده است. با این توضیح که معافیت از مجازات و تعویق صدور حکم محکومیت، جزو جایگزین‌ها نیستند بلکه در واقع «انصراف» از کیفر را بیان می‌دارند. یعنی انصراف از صدور حکم مجازات در حالتی که معافیت مطرح می‌شود و انصراف مشروط از صدور حکم در حالتی که روش تعلیق مورد استفاده قاضی قرار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، 1382، ص 20).

سیاست جنایی

سیاست جنایی از منظر مارتی عبارتست از: «مجموعه روش‌هایی که هیأت اجتماع (دولت و جامعه‌ی مدنی) با توسل به آن به پدیده‌ی مجرمانه پاسخ می‌دهند» (زینالی، 1385، ص 5). سیاست جنایی به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم می‌شود.

سیاست جنایی تقنینی عبارت است از: «تدبیر قانون‌گذار در مورد نحوه‌ی پاسخ‌گویی به پدیده‌ی مجرمانه که در قوانین نوشته‌ی کشور ترسیم می‌شود».

سیاست جنایی قضایی، «مجموعه تدابیری است که از طرف دستگاه قضایی برای پاسخ‌گویی به پدیده‌ی مجرمانه اندیشیده می‌شود و در واقع بیان‌گر نحوه‌ی برداشت قضات از قوانین است».

سیاست جنایی اجرایی عبارت است از: «چگونگی اجرای قوانین و احکام قضایی در مورد کنترل پدیده‌ی مجرمانه و پاسخ به آن».

سیاست جنایی مشارکتی: در این بخش از سیاست جنایی، مردم به اقتضای بافت حکومت در مراحل مختلف اجرایی، قضایی، انتظامی و مهار و کنترل جرم مشارکت می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، 1383، ص 18).

کودک (طفل) (Child, Infant)

دوران کودکی بنابر نظر کنوانسیون حقوق کودک، از دوره‌ی طفولیت آغاز گشته و تا پایان نوجوانی ادامه دارد. از آن‌جا که سن عنصر مهمی در زمینه‌ی قانون‌گذاری است، کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک معیار سنی را لحاظ کرده است. بر اساس ماده یک این کنوانسیون، منظور از کودک، هر انسان کم‌تر از 18 سال است، مگر این‌که طبق قانون سن کم‌تری برای اعمال در مورد کودک تعیین شده باشد.

در قانون جدید مجازات اسلامی، قانون‌گذار سن مسئولیت کیفری را از دفعی و شناسنامه‌ای به تدریجی تغییر داده و بین بلوغ عقلی و جسمی تفکیک قائل شده است و گروه‌های سنی، تا 12 سال، 12 تا 15 سال و 15 تا 18 سال تقسیم شده‌اند. قانون‌گذار تفکیک بین دختران و پسران را برای مجازات حذف کرده و طفل را فرد زیر 18 سال تعریف کرده است (فصل 10 قانون مجازات اسلامی 1390).

نظریه‌های پژوهش

از جمله این نظریات، نظریاتی است که به صورت کلی، نحوه‌ی تلقی و برداشت قضات از قوانین را مورد بررسی قرار می‌دهند و سپس یک دسته‌بندی ارائه می‌کنند که طبق آن قضات را در جایگاه‌های مختلف قرار می‌دهد. نظریه‌ی تفسیر قوانین توسط تونی مارشال مطرح شده

است. تئوری دیگر، تئوری عدالت ترمیمی است که فراتر از یک تئوری است و به نوعی رویکردی جدید در سیستم‌های عدالت کیفری دنیاست که بر حسب آن به شرایط و ویژگی‌های بزه‌کاران و بزه ارتكابی آنان، حقوق بزه‌دیدگان و جامعه‌ی محلی، توأمان توجه می‌شود. ازجمله نظریه‌پردازان مطرح در این حوزه، هاوارد زهر، تونی مارشال و ماکسول می‌باشند.

نظریه عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی یک جایگزین است. معتقدین به عدالت ترمیمی بر این باورند که عدالت ترمیمی باید کلاً جای عدالت کیفری سنتی را بگیرد و سعی می‌کنند نظریه‌هایشان قابل تعمیم به همه‌ی جرایم باشد. به نظر می‌آید که دست‌کم در جرایم سبک و متوسط یک اجماع وجود دارد که ما از عدالت ترمیمی استفاده کنیم. در عدالت ترمیمی، بحث انتقام‌جویی نیست؛ بلکه هدف، رفع اختلاف و تنش و کدورت و ترمیم و بازسازی روابط مختل شده افراد است. به عبارت دیگر، هدف عدالت ترمیمی «ترمیم صدمات وارده بر بزه‌دیدگان و بازگرداندن بزه‌کاران به زندگی همراه با رعایت قانون و ترمیم صدمات وارده به روابط بین اشخاص و جامعه است» (مایز، 1384، ص 118).

عدالت ترمیمی فرایندی است که به وسیله آن تمام اشخاصی که در حادثه‌ی مجرمانه دخیل هستند گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه‌دیده و بزه‌کار در جامعه، بعد از وقوع جرم، چاره‌اندیشی کنند (عباسی، 1382، ص 579). عدالت ترمیمی بازنمودگر تغییری پارادایمی (Paradygmic) در شیوه‌ی توزیع عدالت در نظام‌های عدالت کیفری است. چارچوب عدالت ترمیمی دربرگیرنده‌ی مجرم، بزه‌دیده و کل اجتماع در تلاش برای ایجاد رویکردی متعادل بوده که مجرم‌مدار و در عین حال بزه‌دیده‌مدار است. پرداخت غرامت به بزه‌دیده یکی از ویژگی‌های اصلی عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته است (شایان، 1386، ص 92).

چارچوب عدالت ترمیمی را می‌توان به بهترین شکل به منزله‌ی تأکیدی یکپارچه بر اولویت‌های زیر توصیف کرد:

بازگرداندن (Restoration)

دغدغه‌ی فراهم کردن خدمات و حمایت برای بزه‌دیدگان اعم از آن که مرتکب دستگیر شده باشد یا خیر، مسأله‌ای محوری برای عدالت ترمیمی است. ترمیم پیوندهای اجتماعی برای حمایت از بزه‌دیده و نیز پیش‌گیری از بزه‌دیدگی آینده امری اساسی است. بازگرداندن مجرمان به زندگی در اجتماع یکی از هدف‌هایی است که بر آگاهی مجرمان از آسیب‌های وارد شده و تمایل آنان برای مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال خود و در قبال بزه‌دیدگان مبتنی است (شایان، 1386، ص 92).

مسئولیت‌پذیری (Accountability)

جبران خسارت، خدمات اجتماعی (کار عام‌المنفعه) و میانجی‌گری میان بزه‌دیده و مجرم، مجرمان را از پیامدهای زیان‌بار اعمال خود نسبت به بزه‌دیدگان آگاه کرده و آن‌ها را وادار می‌کند تا اقدام‌هایی را برای بهبود وضعیت بزه‌دیدگان و اجتماع انجام دهند و در صورت امکان، بزه‌دیدگان را به طور غیر مستقیم در این ماجرا دخالت می‌دهند (همان، ص 92).

حمایت اجتماعی (Community Protection)

نظام‌های مراقبت (Surveillance) و ضمانت اجرای مستقیم و اجتماع‌محور (Community-based) وقت و انرژی مجرم را به سوی فعالیت‌های تولیدگرایانه هدایت می‌کنند. پیوستاری از مراقبت و ضمانت اجراها، روندی را درخصوص پیامدهای پیروی نکردن از شرایط نظارت و نیز انگیزه‌هایی که پیش‌رفت مجرم در برآورده کردن هدف‌های توسعه‌ی توانمندی و نیز مسئولیت‌پذیری وی تقویت می‌کنند، فراهم می‌کند (همان، ص 92).

توسعه‌ی توانمندی (Competency Development)

تجربه‌ی کاری، یادگیری و خدمت فعال فرصت‌هایی را برای مجرمان جهت توسعه‌ی مهارت‌ها میان کنش مثبت در جامعه‌ی مدنی و نشان دادن علنی این مسأله که می‌توانند رفتار توانمند تولیدگرانه داشته باشند، فراهم می‌کند. بنابراین عدالت ترمیمی، فرایندی است که ارکان عدالت کیفری یعنی بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه را بسیج می‌کند تا با آثار جرم مقابله شود؛ خسارات و لطمات وارد به بزه‌دیده ترمیم می‌شود و بزه‌دیده به حیات عادی اجتماعی برمی‌گردد (شایان، 1386، ص 93).

«مارشال» تأکید می‌کند که باید به بزه‌کار فرصتی جهت ترمیم آن‌چه در نتیجه‌ی ارتکاب جرم از بین برده شده شود تا در مرحله‌ی اول نسبت به جبران زیان بزه‌دیده اقدام کند، صرف‌نظر از این‌که بزه ارتكابی چرا و چگونه به وقوع پیوسته است. او همچنین استدلال می‌کند که در فرایند اجرای عدالت در امور کیفری، بیشترین تأکید باید بر جبران زیان از طرف بزه‌کار باشد. در این راستا صرف‌نظر از پرداخت خسارت، «جبران» ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه‌ی بزه‌کار در مشاوره، درمان یا آموزش نیز باشد (صانعی، 1381، ص 382).

نظریه‌ی تفسیر قانون توسط قاضی

در میان متفکران و متخصصان «حقوق» به خصوص در سده‌های اخیر بحث‌های جالبی در زمینه‌ی وظیفه و نقش قضات صورت گرفته است. عده‌ای قائل به تفکیک کامل قوه قضاییه بوده و معتقدند که قاضی دادگاه فقط باید به اجرای قوانین و مقرراتی که از طرف قوه مقننه وضع می‌شود، پردازد. عده‌ای دیگر ضمن بحث‌های جالب و مفصل نشان داده‌اند که قاضی دادگاه، مخصوصاً وقتی قوانین و مقررات موجود مبهم یا نارسا بوده یا اصولاً قانونی در مورد قضیه‌ی طرح شده وجود نداشته باشد، عملاً همانند قوه مقننه به وضع قاعده و قانون می‌پردازد و این امر نه تنها اشکالی ندارد بلکه از جهت هماهنگی کردن نظام قضایی با نیازهای متحول جامعه ضروری و مفید نیز هست. اما تفسیر انواع و اقسام دارد و بسته به این‌که قاضی در مورد نقش خود و ماهیت قانون و وظیفه‌ی اجتماعی آن چگونه فکر می‌کند ممکن است یکی از روش‌های متعدد تفسیر را به کار ببرد. از عواملی که به شکلی بارز در ماهیت نظام حقوقی یک

جامعه و آثار و نتایج آن تاثیر می‌گذارد، فلسفه و برداشت قاضی در زمینه‌ی علت وجودی قوانین و نقش و کنش اجتماعی آن‌ها است (صانعی، 1381، ص 419).

قاضی دادگاه با توجه به طرز تفکر و تلقی خود از نقش و وظیفه‌ی اجتماعی خویش، ممکن است به یکی از سه صورت زیر در مقام «تفسیر» قوانین برآید:

1- نقش قانون را منحصر و محدود به «اجرای» قانون بشناسد و برای شناخت حکم «قانون» انحصاراً به عبارت و اصطلاحاتی که در خود قانون به کار رفته اکتفا کند.

این نوع تفسیر را اصطلاحاً تفسیر تحت‌اللفظی یا تعبیدی خوانده‌اند.

2- در مواردی که عبارت قانون مبهم یا ناقص باشد و یا اجرای مقررات قانونی بر مبنای کلام صریح آن آثاری غیر معقول و غیر عادلانه به بار آورد، بکوشد تا با استفاده از اسناد و مدارک مربوط به زمان وضع قانون، به منظور و مقصود «واقعی» قانون‌گذار دست یابد و آن را اجرا کند.

در این تفسیر که آن را اصطلاحاً «تفسیر تاریخی» می‌خوانند نقش قاضی مثل مورد اول انحصاراً اجرای مقررات قانونی شناخته می‌شود؛ مشخصاً چون شناخت منظور و هدف قانون‌گذار از طریق تحلیل منطقی عبارات و اصطلاحات که به کار برده شده میسر نیست، قاضی به عوامل، اسناد و مدارک دیگر نیز استناد می‌کند.

3- ممکن است قاضی دادگاه برای خود نقش خلاق و سازنده بر مبنای نیازها و خواسته‌های معقول اجتماعی قائل باشد و صرف‌نظر از این که منظور ظاهری یا واقعی قانون‌گذار چه بوده، بکوشد تا مقررات را بر مبنای منطقی نیازهای متغیر اجتماعی تفسیر کند و در حقیقت عملاً به نوعی «قانون‌گذاری محدود» و یا به قول پاند «مهندسی اجتماعی» بپردازد. از این تفسیر اصطلاحاً به عنوان «تفسیر اجتماعی» یاد می‌شود (همان، صص 421-419).

در نظام حقوقی کشور ما به طور کلی و در دادگاه اطفال به طور خاص رویکرد کیفری، رویکردی غالب می‌باشد. برخلاف رویکرد ترمیمی که هدف از آن ترمیم و جبران خسارت می‌باشد، در رویکرد کیفری هدف تنبیه و تشفی وجدان جمعی است. در بینش قضات واکنش‌هایی به عنوان مجازات شناخته می‌شوند که دارای قدرت بازدارندگی بالا و تنبیهی باشند. لذا در سیستم حقوقی ما کم‌تر به شرایط اجتماعی شکل‌دهنده‌ی بزه و شرایط خاص

بزه کار توجه می‌شود. در نظام حقوقی ما حتی در مورد حقوق بزه‌دیدگان نیز به حقوق مادی و جبران خسارات مادی تکیه می‌شود و از توجه به حقوق معنوی و جبران خسارات روحی از جانب بزه کار غفلت می‌شود. همچنین فرایند رسیدگی به پرونده حتی در دادگاه اطفال به هیچ وجه جنبه‌ی مشارکتی ندارد و شناخت و اقبال لازم نسبت به لزوم مشارکت سایر افراد دخیل در مسأله وجود ندارد. به طور کلی هم به لحاظ نگرش و هم عملکرد قضایی، نظام حقوقی در کشور ما با نظام عدالت ترمیمی فاصله دارد. این مسأله در نحوه‌ی قانون‌گذاری نیز بعضاً خود را نشان می‌دهد.

در رابطه با نحوه‌ی تفسیر قضات از قوانین باید گفت که در کشور ما، عموماً قضات در صدور حکم صرفاً به متن قانون اکتفا می‌کنند و به تفسیر تحت‌اللفظی از مفاد قانونی می‌پردازند. این روند به ویژه در دادگاه‌های کیفری عمومی غالب است. درخصوص دادگاه اطفال می‌توان گفت به دلیل این که یک دادگاه ویژه می‌باشد، در کنار تفسیر تحت‌اللفظی از قانون، در مواردی که ابهام و یا نقصی در قانون وجود داشته باشد، برخی از قضات با توجه به مقتضیات پرونده دست به تفسیری از قانون می‌زنند که تا حد امکان از مجازات‌های کیفری درباره‌ی کودکان کاسته شود. این قضات اصطلاحاً تفسیر تاریخی از قوانین می‌کنند.

روش تحقیق

این تحقیق در زمره‌ی پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود؛ یعنی پژوهش‌هایی که در صدد آنند که به شناختی عمیق از یک واقعیت اجتماعی (Social Fact) دست یابند. اشتراوس و کوربین منظور از پژوهش کیفی را نوعی پژوهش می‌دانند که یافته‌های حاصل از آن از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی‌سازی به دست نیامده است. این گونه پژوهش می‌تواند مطالعه در مورد زندگی افراد، تجارب زنده، رفتارها، هیجانات و احساسات آن‌ها و همچنین عملکردهای سازمانی، تحركات اجتماعی، پدیده‌های فرهنگی و تعاملات میان ملل را شامل شود (اشتراوس و کوربین، 1988، ص 10).

روش انجام تحقیق در این مقاله، مطالعه‌ی موردی (Case Study) است. مطالعه‌ی موردی، بررسی یکه‌نگارانه از یک فرد، گروه یا جامعه‌ی خاص است. هدف اصلی این نوع

مطالعه عبارت است از توصیف، اگرچه تلاش برای تبیین نیز در آن پذیرفتنی است (بی، 1386، ص 585).

در این تحقیق از تکنیک‌های مشاهده‌ی مستقیم، مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته و گردآوری داده‌های اسنادی بهره گرفته شده است. مشاهده در محیط طبیعی انجام گرفته و برای مشاهده‌شوندگان معلوم و آشکار بوده است. این مشاهده از نوع غیرمشارکتی بوده و محقق به عنوان یک عضو فعال در محیط مورد مشاهده، مداخله‌ای نداشته است.

یافته‌های تحقیق

دادگاه اطفال شهر تهران از سال 1378 تشکیل شده و ابتدا در مجتمع‌های عمومی چون مجتمع شهید بهشتی، چند شعبه برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان اختصاص داده شد. از سال 1381 دادگاه اطفال به شکل مستقل و مجزا از سایر دادگاه‌های عمومی در آمد و مجتمع قضایی شهید فهمیده ویژه‌ی اطفال، شامل دادگاه و دادر، تأسیس شد. در دادگاه اطفال علاوه بر رئیس که سرپرست مجتمع نیز می‌باشد معاون وی و چهار شعبه‌ی دادگاه مستقر هستند.

یافته‌های مربوط به نگرش و عملکرد قضات

در این مجتمع، در میان قضات، دو گونه تفکر رایج است. یکی تفکری که مجازات‌های جایگزین را به عنوان راه کارهایی مناسب جهت حل و فصل مسائل کودکان و نوجوانان می‌داند و معتقد است که ضرورت دارد همه‌ی نهادها در جهت اجرایی شدن کامل مقررات مربوط به جایگزین‌های مجازات حبس بکوشند و ابهامات در زمینه‌ی چگونگی اجرای قانون برطرف گشته و در این زمینه به رویه‌ی قضایی حاکم در سایر کشورها و همچنین رویه‌ی قضایی کشور در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری دادگاه ویژه‌ی اطفال استناد می‌شود.

تفکری دیگر، اساساً این گونه جایگزین‌ها را مجازات نمی‌داند و معتقد است که دارای بازدارندگی لازم نیست و به لحاظ اجرایی محدودیت‌هایی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که تفکر تنبیهی و ترمیمی به موازات هم در این مجتمع حاکم است. در این قسمت سعی شده

تا از طریق مصاحبه‌ای که با قضات به عمل آمده است، نظرات و عملکرد آنان پیرامون این گونه جایگزین‌ها بررسی شود چرا که در بررسی رویه‌ی قضایی، شناخت نگرش قضات حائز اهمیت است.

جدول 1- مشخصات قضات:

مشخصات قضات	جنسیت	سن	تحصیلات	سابقه خدمت
قاضی شعبه اول	مرد	46	لیسانس	24
قاضی شعبه دوم	مرد	62	حوزوی - دیپلم	30
قاضی شعبه سوم	مرد	44	لیسانس	24
قاضی شعبه چهارم	مرد	42	لیسانس	12

جدول 2- نظرات قضات پیرامون جایگزین‌های مجازات حبس:

نظرات قضات	مجازات هستند / نیستند
قاضی شعبه اول	نیستند، نوعی تدابیرند.
قاضی شعبه دوم	نیستند، نوعی تخفیف و تبدیل مجازات اصلی هستند.
قاضی شعبه سوم	مجازات هستند.
قاضی شعبه چهارم	مجازات هستند.

همان‌طور که نظرخواهی از قضات نشان می‌دهد، دو تن از قضات دادگاه جایگزین‌های مجازات حبس را به عنوان مجازات، طبق تعریفی که از مجازات در قانون جزا می‌باشد، قبول ندارند. به عقیده آنان مجازات شیوه‌هایی است برای تنبیه و کیفر مجرمان و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان. و دو تن دیگر از قضات چنین احکامی را مجازات تلقی

می‌کنند و آن‌ها را با سایر مجازات‌های دیگر به لحاظ کارکردهای سزادهندگی و بازدارندگی یکسان می‌دانند. دو قاضی اول اعتقاد دارند که احکام جایگزین صادر نمی‌کنند، بلکه از تخفیف یا تبدیل مجازات بهره می‌گیرند.

جدول 3- انواع جایگزین‌های صادر شده توسط قضات:

قضات نظرات	احکام جایگزین صادر شده
قاضی شعبه اول	از جایگزین‌های مجازات حبس استفاده نمی‌کنند.
قاضی شعبه دوم	از جایگزین‌های مجازات حبس استفاده نمی‌کنند.
قاضی شعبه سوم	جریمه روزانه، آموزش مهارت و به کارگیری آن، خدمات عام‌المنفعه
قاضی شعبه چهارم	به کارگیری مهارت بزه کار و آموزش مهارت، حبس پایان هفتگی

با توجه به داده‌های جدول بالا قضات شعبات اول و دوم، از احکام جایگزین حبس استفاده نمی‌کنند و بیشتر از تخفیف و تبدیل مجازات اصلی بهره می‌گیرند. در سایر شعب، از جایگزین‌های مجازات حبس و همچنین شیوه‌های تبدیل و تخفیف مجازات استفاده می‌شود. اما باید گفت که شیوه‌های تبدیلی و تخفیفی در میان این قضات نیز رایج‌تر است.

جدول 4- اولویت تصمیم‌گیری در صدور احکام:

قضات نظرات	اولویت تصمیم‌گیری در صدور حکم
قاضی شعبه اول	مفاد قانونی قانون مجازات اسلامی و سایر مفاد قانونی مصوب در مجلس شورای اسلامی
قاضی شعبه دوم	مفاد قانونی مصوب در مجلس شورای اسلامی

قاضی شعبه سوم	مفاد قانونی با استفاده از اختیارات قاضی
قاضی شعبه چهارم	مفاد قانونی و تفسیر قانون با استناد به تجارب حرفه‌ای و اختیارات قاضی

همان‌طور که می‌توان مشاهده کرد دو تن از قضات دادگاه اطفال عقیده دارند که برای تصمیم‌گیری درباره سرنوشت یک پرونده، بعد از اشراف کامل به محتویات پرونده، اولین قدم رجوع به قانون و مواد قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی است. از دید این قضات، وظیفه‌ی آن‌ها، عمل کردن به مقررات طبق همان چیزی است که در متن قانون آمده است. در حالی که دو تن دیگر از قضات، با این که اولین گام در تصمیم‌گیری برای یک پرونده را رجوع به قانون می‌دانستند اما عقیده داشتند که قانون، به طور کامل دست قاضی را نبسته و به او اجازه داده است که در برخی شرایط، با توجه به ویژگی‌های خاص یک پرونده و با در نظر گرفتن شرایط ارتکاب جرم توسط متهم، به خصوص کودکان، رأیی صادر کند که تا حد امکان، منافع متهم را در نظر بگیرد.

جدول 5- توجه به حقوق بزه‌دیدگان در عملکرد قضات:

قضات نظرات	توجه / عدم توجه به حقوق بزه‌دیدگان
قاضی شعبه اول	توجه به حقوق بزه‌دیدگان دارم
قاضی شعبه دوم	توجه به حقوق بزه‌دیدگان دارم
قاضی شعبه سوم	توجه به حقوق بزه‌دیدگان دارم
قاضی شعبه چهارم	توجه به حقوق بزه‌دیدگان دارم

با توجه به محتویات جدول می‌توان چنین استنباط کرد که تمامی قضات، به بزه‌دیدگان و ضرورت توجه به حقوق آن‌ها آگاهند و برای جلب رضایت و اتخاذ حقوق آنان اهتمام دارند.

جدول 6- نحوه‌ی توجه به حقوق بزه‌دیدگان در عملکرد قضات:

توجه به حقوق مادی / توجه به حقوق معنوی	قضات نظرات
توجه به حقوق مادی و جبران خسارت‌های مالی	قاضی شعبه اول
توجه به حقوق مادی و جبران خسارت‌های مالی	قاضی شعبه دوم
توجه به حقوق مادی و جبران خسارت‌های مالی	قاضی شعبه سوم
توجه به حقوق مادی و حقوق معنوی	قاضی شعبه چهارم

همان‌طور که از اطلاعات جدول استنباط می‌شود، در رویه‌ی قضایی فعلی کشور ما توجه به حقوق بزه‌دیده، به لحاظ تأمین خسارت‌های مالی و مادی وی صورت می‌گیرد. توجه به حقوق معنوی چون حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی، لزوم توجه بزه‌کار به آسیب‌های روحی که با انجام عمل مجرمانه به فرد بزه‌دیده وارد کرده است یا معرفی فرد بزه‌دیده به نهادهایی که به طور رایگان، خدمات مشاوره، روان‌کاوی و... ارائه می‌دهند، در رویه قضایی فعلی ما جایگاه چندانی ندارند.

جدول 7- نظرات قضات درباره‌ی رویکرد کلی قضایی کشور

رویکرد تنبیهی - کیفری / رویکرد ترمیمی - اصلاحی	قضات نظرات
به چنین دسته‌بندی اعتقاد ندارم	قاضی شعبه اول
رویکرد تنبیهی - کیفری	قاضی شعبه دوم
تفوق رویکرد تنبیهی - کیفری	قاضی شعبه سوم
رویکرد تنبیهی - کیفری	قاضی شعبه چهارم

همان‌طور که از داده‌های جدول به دست می‌آید، تمامی قضات دادگاه اطفال به‌جز یک تن از قضات که پاسخ مشخصی به پرسش مطرح شده ندادند، معتقدند که رویکرد غالب و نگاه عمده در اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها در رویه‌ی قضایی حاکم بر کشور، یک رویکرد تنبیهی -

کیفری است. یعنی رویکردی که معتقد است مجازات باید شدید و بازدارنده باشد و به نحوی باشد که متهم را از ارتکاب مجدد جرم بازدارد.

جدول 8- نظر قضات پیرامون نقش حقوق کیفری در جامعه

نقش حقوق کیفری: سزادهنده / جامعه‌پذیرکننده	قضات
	نظرات
سزادهنده و جامعه‌پذیرکننده	قاضی شعبه اول
سزادهنده	قاضی شعبه دوم
سزادهنده و جامعه‌پذیرکننده	قاضی شعبه سوم
جامعه‌پذیرکننده	قاضی شعبه چهارم

با توجه به محتویات جدول می‌توان چنین نتیجه گرفت که قضات دادگاه اطفال نقش عمده‌ی حقوق کیفری را سزادهنده می‌دانند تا مجرم به علت مجازاتی که تحمل کرده است، دوباره به سوی ارتکاب مجدد جرم کشیده نشود.

نمونه‌های احکام صادر شده توسط قضات در پرونده‌های مورد بررسی

در این قسمت به بررسی احکام صادر شده قضات در پرونده‌های مختومه که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند می‌پردازیم.

1- جزای نقدی

رأی زیر درخصوص نوجوانی 17 ساله مبنی بر شرب خمر و اخلال در نظم عمومی صادر شده است:

«... در خصوص اتهام آقای... 17 ساله مبنی بر شرب خمر و اخلال در نظم عمومی مستنداً به مواد 165، 166، 168، 174 و 176 قانون مجازات اسلامی و ماده 618 همان قانون و رعایت ماده 22 قانون مجازات اسلامی درخصوص اخلال در نظم عمومی و از بابت شرب خمر به

تحمل هشتاد ضربه تازیانه محکوم می‌گردد. از بابت اخلال در نظم عمومی از جهت مجازات شلاق به پرداخت دویست هزار ریال جزای نقدی و از بابت حبس به تحمل پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد» (پرونده کلاسه 84/1188/1884-85/2/3).

2- آموزش مهارت و به کارگیری آن

رأی زیر که در آن سعی شده از مهارت بزه کار بهره گرفته شود، در یکی از شعب دادگاه اطفال شهر تهران صادر شده است:

«متهم... 17 ساله به اتهام ترویج فساد موضوع ماده 639 قانون مجازات اسلامی از طریق شرکت در راه اندازی سایت‌های غیراخلاقی در جلسه‌ی دادگاه حضور دارد... از سوی دادرسی ناحیه 21 تهران و سایر قرائن و اظهارات موجود در پرونده، مجرمیت نام‌برده از نظر دادگاه محرز است لذا با استناد به ماده 639 قانون مجازات اسلامی، وی به یک سال حبس محکوم می‌گردد. اما با توجه به نوجوانی و عدم سابقه کیفری و اظهار ندامت و کمک به دستگیری سایر متهمان مرتبط و با دادن قول همکاری و با اجازه از ماده 25 قانون مجازات اسلامی حبس وی به مدت سه سال تعلیق می‌گردد و دادگاه با استناد ماده 29 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد با توجه به ندامت نام‌برده به جبران عملکرد گذشته خود در هفته یک روز تجربیات خود را درخصوص راه اندازی سایت‌های مورد نیاز در اختیار معاونت محترم آموزش قوه قضاییه قرار دهد. در ضمن معاونت محترم هر سه ماه یک بار گزارش جامع از عملکرد مشارالیه به دادگاه اعلام دارد» (پرونده کلاسه ... / 84/4/21 شعبه 1188).

3- حبس پایان هفتگی

رأی زیر نمونه‌ای از احکام حبس پایان هفتگی است که از دادگاه شهر تهران صادر شده است:

«درخصوص اتهام آقای... 17 ساله داور بر ایراد ضرب و جرح عمدی... از لحاظ جنبه‌ی خصوصی جرم با توجه به گذشت شاکی... به استناد ماده 6 قانون آیین دادرسی کیفری قرار

موقوفی تعقیب صادر و از جهت جنبه‌ی عمومی جرم با توجه به اخلال در نظم و شدت ایراد ضرب و جرح و بیم تجری مرتکب نظر به این که متهم سال آخر دبیرستان بوده به علت عدم توقف در تحصیلات و اظهار ندامت شدید و تلقین این مطلب که خاطی باید مجازات شود، مستنداً به ماده 269 قانون مجازات اسلامی و با رعایت مواد 12، 17، 19 و 22 همان قانون، نام‌برده به هفته‌ای دو روز حبس (پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها هر هفته) به مدت سه ماه محکوم می‌گردد...» (پرونده کلاسه 331/2102/79).

4- ارائه خدمات عمومی

در این قسمت به بررسی رأی صادره از شعبه 1185 دادگاه اطفال تهران در خصوص آقای... 17 ساله که به اتهام نگهداری مشروبات الکلی دستگیر شده بود می‌پردازیم:

«در خصوص اتهام آقای... 17 ساله، ساکن تهران، فاقد سابقه کیفری دائر بر نگهداری مشروبات الکلی، حسب گزارش نیروی انتظامی، اقرار صریح متهم، دادگاه مجرمیت وی را محرز دانسته، مستنداً به ماده 702 قانون مجازات اسلامی، نام‌برده را به تحمل سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید؛ ولی چون متهم در سنین نوجوانی و ایام بلوغ قرار دارد و اول بار است که مرتکب این عمل گردیده، مجازات حبس نه تنها در مورد وی موجب بازدارندگی نخواهد شد، بلکه سبب اخلال در شخصیت وی و تجری وی نیز به علت مراوده با افراد دیگر موجود در زندان می‌گردد. دادگاه با اختیار حاصله از ماده 22 قانون فوق‌الذکر به جای مجازات فوق‌الذکر مشارالیه را به ازای هر روز حبس به کاشت یک درخت در سطح شهر و حومه‌ی تهران محکوم می‌نماید» (پرونده کلاسه: 417/1185/82).

در این قسمت به بررسی نمونه‌ای از احکام جایگزین مجازات حبس پرداخته شد. این آرا مربوط به قضاتی است که به استفاده از احکام جایگزین حبس اعتقاد دارند. در میان این گونه

احکام، آموزش مهارت به بزه‌کاران مانند انجام تحقیق درباره‌ی همان بزه‌ی که مرتکب گشته‌اند و یا به کارگیری مهارت آنان در مؤسسات خیریه رواج دارد. همچنین انجام خدمات عام‌المنفعه در سرای سالمندان، مراکز بهزیستی و سایر مراکز خدمات اجتماعی از جمله احکامی است که با توجه به مقتضیات پرونده، قضات درباره‌ی کودکان بزه‌کار صادر می‌کنند. این گونه احکام غالباً در مورد جرایمی است که مستحق مجازات تعزیری می‌باشند مانند سرقت، ضرب و جرح، مصرف مشروبات الکلی و نگهداری آن، اما به دلیل شرایط خاص کودکان از جایگزین‌های مجازات استفاده می‌شود. جزای نقدی به علت سهولت اجرا از رایج‌ترین و حبس پایان هفتگی از نادرترین جایگزین‌ها می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در دادگاه اطفال شهر تهران دو رویکرد عمده نسبت به جایگزین‌های مجازات حبس وجود دارد. رویکردی که نگرش مثبتی به این گونه احکام دارد و عقیده دارد که این احکام جنبه‌ی اصلاحی و ترمیمی دارند، از قدرت بازدارندگی بالایی برخوردارند و به خصوص درباره‌ی کودکان که معمولاً سابقه‌ی کیفری ندارند و نوع جرایم ارتكابی آنان خفیف است، استفاده از این احکام بسیار مناسب می‌باشد. در احکام ایشان از جایگزین‌هایی چون مجازات‌های نقدی، آموزش مهارت، به کارگیری و استفاده از مهارت متهمان، انجام خدمات عام‌المنفعه و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی استفاده می‌شود. این دسته از قضات برای قاضی نقش انعطاف‌پذیری قائل هستند و معتقدند قاضی با توجه به دانش خود و مقتضیات پرونده می‌تواند تفسیری از قانون ارائه نماید که در عین این که معارض با روح قانون نیست، در جهت بازگشت بزه‌کار به جامعه و بازپروری او باشد.

رویکرد دوم مربوط به قضاتی می‌شود که نگرش منفی به جایگزین‌های مجازات حبس دارند. این قضات طرف‌دار رویکرد تنبیهی در رویه‌ی قضایی می‌باشند و معتقدند این احکام فاقد جنبه‌ی بازدارندگی هستند و نقش چندانی در پیش‌گیری از جرایم ندارند. به نظر ایشان این احکام قابلیت اجرایی در کشور ما ندارند و صرفاً به دلیل تبعیت از کنوانسیون حقوق کودک و الزام ایران به پیوستن به آن در قانون مجازات‌های اجتماعی مطرح شده‌اند. این قضات در عملکرد خود بیشتر به موارد تخفیف و تبدیل مجازات در ماده 22 و 728 قانون مجازات اسلامی استناد می‌کردند و احکامی چون تعلیق مجازات، جزای نقدی، حبس، شلاق و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بیشتر در آرای‌شان به چشم می‌خورد. این دسته از قضات نقش قاضی را صرفاً اجرای قانون می‌دانند و معتقد به تفسیر قانون نیستند. این مسأله هم به نحوه‌ی نگرش و بالتبع عملکرد قضات و هم به محدودیت‌های اجرایی و فراهم نبودن بسترهای مناسب اجتماعی و ساختاری مربوط می‌شود. کمبود منابع مالی و نبود نیروهای آموزش‌دیده در این زمینه و عدم هماهنگی سایر ارگان‌های دولتی و مشارکت نکردن سازمان‌های مردمی در این امر از عمده‌ترین موانع شکل‌گیری رویه‌ی قضایی در زمینه‌ی جایگزین‌های مجازات حبس در ایران است.

فهرست منابع

الف - فارسی

- آنسل، مارک، **دفاع اجتماعی**، (1375)، مترجم: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- آشوری، محمد، (1382)، **جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین**، چاپ اول، تهران: انتشارات گرایش.

- بی، ارل، (1386)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، مترجم: رضا فاضل، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

- زینالی، امیرحمزه، (1385)، **بررسی ابعاد جامعه‌شناسانه، جرم‌شناسانه و روان‌شناسانه کاهش استفاده از مجازات حبس تعزیری**، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، شیراز: نشر میزان.

- شایان، علی، (بی تا)، **عدالت برای بزه‌دیدگان**، ترجمه به سفارش اداره کنترل مواد مخدر و پیش‌گیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین‌المللی پیش‌گیری از جرم، تهران: انتشارات سلسبیل.
- صانعی، پرویز، (1381)، **حقوق و اجتماع**، چاپ اول، تهران: نشر طرح نو.
- صفاری، علی، (1386)، **کیفرشناسی**، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- عباسی، مصطفی، (1382)، **افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشور.
- قانون مجازات اسلامی، (1392)، فصل دهم، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- لایحه مجازات‌های اجتماعی، (1383)، تدوین شده در مرکز مطالعات راهبردی و توسعه‌ی قضایی قوه قضاییه.
- مایز، مایکل، (1384)، **عدالت ترمیمی**، مترجم: امیر سماواتی پرویز، تهران: انتشارات خلیلیان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (83-1382)، **تقریرات درس جرم‌شناسی**، دوره‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

ب- انگلیسی

-Strauss, A. & Corbin, J., (1990), **Basics of Qualitative Research**, London.